

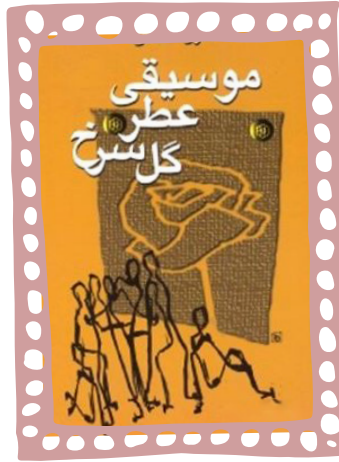
زند بعدی کیست؟

مجیزگوی اعظم، سلطان السبیل، خالق حضرت استادی که رجال و نسوان مشهور از نلسون ماندلا و چارلی چاپلین تا الیزابت دوم، ملکه جوان بریتانیا، عکس یادگاری با وی دارند.

عمران صلاحی، روزنامه‌نگار، طنزپرداز، شاعر و داستان‌نویسی بود که کیشنده هم بود و برای نشریات، طرح طنز می‌کشید و در شعر کلاسیک و نو، آثار درخشانی برجای گذاشته است.



به زمین و زمان بدهکاریم هم به این، هم به آن بدهکاریم به رضا قهوه‌چی که ریزد چای دو عدد استکان بدهکاریم به علی ساربان که معروف است شتر کاروان بدهکاریم شاخی از شاخ‌های دیو سفید به یل سیستان بدهکاریم مثل فزخا که دارد خال به امیر ارسلان بدهکاریم نیست ما را ستاره‌ای، ای دوست که به هفت آسمان بدهکاریم مبلغی هم به بانک کارگران شعبه طالقان بدهکاریم این دوتا دیگ را و قالی را به فلان و فلان بدهکاریم دو عدد برگ خشک و خالی هم ما به فصل خزان بدهکاریم هم به تبریز و مشهد و اهواز هم قم و اصفهان بدهکاریم به مجلات هفتگی، چندین مطلب و داستان بدهکاریم قلیک بچه‌ها به یغما رفت ما به این کودکان بدهکاریم مبلغی هم کرایه‌خانه به این موجر بدزبان بدهکاریم پیروی کرده‌ایم از دولت به تمام جهان بدهکاریم



کتاب «موسیقی عطر گل سرخ» رمان طنز عمران صلاحی است. قدرت وی در خلق موقعیت‌های طنز را علاوه بر علم و اندیشه، باید از ذات لبریز از خلاقیت طنزش دانست. عمران شخصیتی مردمی و به دور از غرور و تکبر بود. طنزهایش برآمده از دل اجتماع بود. حتی تخیل عمران صلاحی در آثارش برمدار دغدغه مردمی است.

آقا نظر اگر من بخواهم اسم کوچکم را عوض کنم، چقدر طول می‌کشد؟

نمی‌دانم، ولی دوستی دارم به اسم آقای شاپور. این آقای شاپور می‌گوید یک روز رفته بودم بهشت زهرا، دیدم چند نفر سر قبری نشسته‌اند و با قلم و چکش دارند روی سنگ قبر را اصلاح می‌کنند. رفتم جلو پرسیدم: «قضیه از چه قرار است؟»

یکی از آن‌ها گفت: «ما مأمور ثبت احوالیم. این مرحوم در زمان حیاتش تقاضای تغییر نام کرده بود، حالا اداره ثبت با تقاضای او موافقت کرده...»

در زیر نظر برخی چهره‌های مطرح درباره عمران صلاحی آمده است:

منوچهر احترامی:

نوشتن يك طنز ماندنی از هر مسئله جاری روز، ویژگی منحصر به فرد عمران صلاحی است.

اکبر اکسیر:

او (عمران صلاحی) با طنز به دنیا آمده بود تا دنیا را به مسخره بگیرد. او بیشتر از هر کسی چهره مضحک زندگی را لمس کرده بود و برای ترسیم این دنیای دیوانه حرف‌های عاقلانه خود را در قالب طنز ارائه می‌داد تا عارف و فیلسوف بودن خود را عیان کند.

محمدعلی علومی:

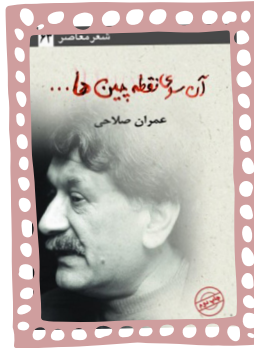
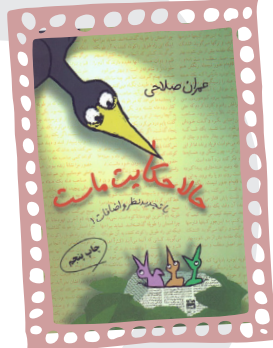
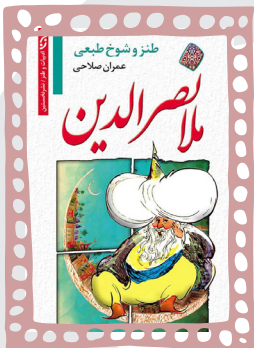
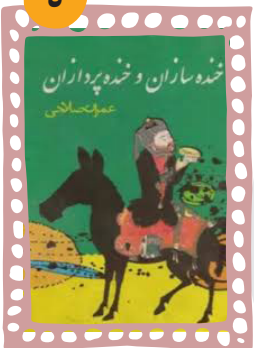
شادروان عمران صلاحی در طنزپردازی استادی به اصطلاح جامع شرایط بود.

علی دهباشی:

عمران صلاحی متعلق به نسلی از طنزنویسی ایران است که بدون شك مهرشان را بر جبین ادبیات زده‌اند. طنزنویسانی که با استفاده از مؤلفه‌های تازه در ادبیات، دست به خلق آثاری زدند که خیلی زود از سوی عامه مردم و نویسندگان و شاعران به رسمت شناخته شد. عمران

از جمله آثار عمر پربرکت عمران صلاحی در حوزه طنز می‌توان «حالا حکایت ماست»، «از گلستان من ببر ورقی»، «عملیات عمرانی»، «موسیقی عطر گل سرخ»، «گزینه اشعار طنز»، «تفریحات سالم»، «کلک مرغابی» و «کمال تعجب» را نام برد. مجموعه شعرهای جدی وی نیز شامل «گریه در آب»، «قطاری در مه»، «ایستگاه بین راه»، «هزار و یک آینه»، «مرا به نام کوچکم صدا بزن» و «آن سوی نقطه چین‌ها» است. صلاحی پژوهشگر پیشتازی در عرصه تاریخ ادبیات طنز کشور است و محمدعلی علومی هم به توصیه او قدم در این عرصه گذاشته است. از تحقیقات ادبی منتشر شده صلاحی «طنزآوران امروز ایران همراه بیژن اسدی پور»، «یک لب و هزار خنده با بیژن اسدی پور»، «شوخی طبعی ملانصرالدین»، «خنده‌سازان و خنده‌پردازان»، «اولین تپش‌های عاشقانه قلبم» و «گفتار طرب‌انگیز» را می‌توان نام برد. کتاب «سه مرد در یک قایق» را هم ترجمه کرده است. این‌ها فقط تعدادی از آثار طنزپرداز دوست داشتنی نازی آباد و جوادیه است.

۵



برای گذران سایر امور زندگی مجبور به کشیدن و نوشتن و سرودن در نشریات مختلف شد. عمران با اسامی مستعار مختلف «ابو قراضه»، «بلاتکلیف»، «تمشک»، «پیت حلی»، «بچه جوادیه»، «مراد محبی»، «آب حوضی»، «راقم این سطور» و... در نشریات حضور داشت. عمران درباره خودش گفت: «همان قدر انگلیسی می‌دانم که یک فرد انگلیسی، فارسی را. با این مدرک نیم‌بند فقط توانستم در سازمان رادیو تلویزیون به عنوان کارمند اداری استخدام شوم. بعدها ویرم گرفت و ویراستار شدم. در سال ۱۳۷۵ درحالی که مسئول کتابخانه سروش بودم به افتخار بازنشستگی نائل آمدم. چون با این افتخار چرخ زندگی نمی‌چرخید، در یکی دو جای دیگر مشغول کار هستم.»

عمران صلاحی به سبب شغل پدرش در راه‌آهن، سال‌ها در پشت واگن از شهری به شهر دیگر در مهاجرت بوده است. تحصیلات ابتدایی و دبیرستانش را در دبستان صنایع الدوله شهرستان قم، سپس در تهران و شهریار و تبریز گذراند. عمران در این باره گفته «از آنجا که استعداد فراوان داشتم، هر سه سال دبیرستان را رفوزه شدم.»

عمران صلاحی از دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه تهران، مدرک فوق دیپلم مترجمی زبان انگلیسی را گرفت تا به وسیله این مدرک، شغلی و لقمه نانی برای گذران زندگی دست‌وپا کند. همین‌طور هم شد و سال ۱۳۵۲ به استخدام در رادیو در آمد و فقط همان لقمه نان به دستش رسید و



۴

